

عنوان مقاله:

نمادهای مشترک در اشعار مولوی و سپهری

محل انتشار:

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 10، شماره 21 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

زهره مرتضی زاده - دانشگاه آزاد قایم شهر

حسین پارسایی

سوزان جهانیان

خلاصه مقاله:

یکی از عناصر مورد استفاده در متون ادبی نماد است. متون عرفانی برای بیان تجارب درونی و معرفتی عارف به طور ویژه از نماد بهره می گیرند. مولوی در مثنوی برای نشان دادن بنیاد معرفتی خود و شرح سیر و سلوک از نمادهای گوناگونی استفاده کرده است. وی با استفاده از جهان بینی عرفانی، مجموعه گران بهایی از نمادهای عرفانی را به ادبیات فارسی ارائه کرده است. سهراب سپهری عارف و نقاش کاشانی و شاعر نوپرداز معاصر نیز به منظور تاثیرگذاری بیشتر بر مخاطب از طریق ایجاد ابهام، شرکت دادن مخاطب در آفرینش معنایی و واداشتن او به تامل در معنای شعر از این شگرد بهره جسته و نمونه های عالی شعری را بیان نموده است، هر چند این دو شاعر، مربوط به برهه های مختلفی از زمان می باشند، ولی بعضا حس و درک مشترکی از واژه ها داشته و به احتمال قوی این امر الهام بخش هردو شاعر در سرودن شعر و خلق اثر می باشد. به کارگیری نمادهای مشترک در آثار آنها باتوجه به تاثیر پذیری سپهری از مولوی بسیار زیاد دیده می شود. در این مقاله سعی شده است به مواردی از این مشترکات اشاره شود. نگارندگان پس از توصیف به کارگیری نماد در آثار مولوی و سپهری و تاثیرپذیری سپهری از مولوی، رمزه های مشترکی را که مولوی و سپهری از نمادهای خود داشته اند، استخراج کرده و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا به طبقه بندی، توصیف و بیان معانی نمادین آنها پرداخته و نکته هایی از آنها را بازگو کرده اند.

کلمات کلیدی:

نماد، سمبل، مثنوی، هشت کتاب، مولوی، سپهری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1810002>

